

تحلیل و مصداق‌شناسی تطبیقی واژه (الیوم) در آیه اکمال *

□ عباس الهی **

□ محمدبشیر مقدسی ***

چکیده

از جمله آیاتی که می‌تواند پشتوانه بسیار محکمی برای اثبات حدیث غدیر باشد، آیه اکمال (سوره مائده، آیه ۳) است، که باتوجه به نقش و اهمیت آن در امر ولایت و خلافت همواره مورد توجه مفسران اعم از شیعه و اهل سنت بوده و دیدگاه‌های متعددی از سوی دانشمندان فریقین ابراز شده است. دانشمندان فریقین در پاره‌ای از مباحث پیرامون آیه اکمال، اشتراک نظر دارند ولی در برخی از مباحث دارای اختلاف نظر هستند که مهم‌ترین آن که محل اصلی نزاع و اختلاف نیز به شمار می‌رود مراد و مقصود «الیوم» است.

مقاله حاضر کوشیده است، تمامی فرضیه‌ها، دیدگاه‌ها و تصورات دانشمندان فریقین در باره مراد «الیوم» در آیه اکمال را به صورت تحلیل درون متنی و برون متنی کالبدشکافی نموده، مراد واقعی الیوم را به اثبات برساند. بررسی تفاسیر فریقین نشان می‌دهد که هیچ روزی جز روز هیجدهم ذی الحجه نمی‌تواند مصداق واقعی الیوم در آیه اکمال باشد.

کلیدواژه‌ها: اکمال دین، ولایت، فریقین، الیوم.

* تاریخ وصول: ۱۴۰۳/۱۱/۱۲، تاریخ تصویب: ۱۴۰۴/۴/۲۰.

** استادیار و عضو هیأت علمی جامعه المصطفیٰ ﷺ العالمیه. قم. ایران (abbas_elahi48@yahoo.com).

*** دکتری قرآن و حدیث، مجتمع عالی امام خمینی ﷺ، جامعه المصطفیٰ ﷺ العالمیه. (نویسنده مسئول)
(bashir.muqaddasi@gmail.com).

۱. مقدمه و پیشینه تحقیق

خداوند در قرآن کریم در بخشی از آیه سوم سوره مائده می‌فرماید:

الْيَوْمَ يَنْسَى الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا (مائده/ ۳)؛ امروز، کافران از (زوال) آیین شما، مأیوس شدند بنا بر این، از آنها نترسید! و از (مخالفت) من بترسید! امروز، دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم.

قرآن کریم آخرین کتاب مسلمانان و نشان دهنده راه هدایت و ضلالت است، طبق روایات پیغمبر ﷺ و معصومین (علیهم‌السلام) عقیده و عمل مسلمانان در صورتی مورد پذیرش قرار خواهد گرفت که مطابق با قرآن و فرمایش رسول خدا ﷺ باشد، بنابر این همه فرقه‌های اسلامی سعی کردند برای اثبات صحت عقیده‌شان به آیات الهی استناد کرده و به قرآن تمسک جویند.

در مقابل، برخی از فرقه‌های دیگر اسلامی بنابر وجوه مختلف از جمله تعصب، دشمنی و عدم درک صحیح در صدد تخریب عقیده فرقه دیگر برآمده، دست به تاویل و تحلیل نادرست آیات مورد استناد فرقه مقابل زده و سعی در تخریب و کتمان حقیقت نمودند از جمله این آیات، آیه مبارکه اکمال (آیه ۳ سوره مائده) می‌باشد که شیعه با تمسک به قرائن خارجی و داخلی روز نزول آن را روز غدیر و علت نزول را اعلان ولایت و خلافت امام علی و یازده امام دیگر می‌دانند و آنان را مفسر واقعی و جانشین واقعی رسول خدا دانسته همواره کوشیدند دین خود را بر آنها عرضه کرده و معارف قرآنی و دینی را از آنها اخذ کنند. در مقابل برخی از فرقه‌ها بنابر دلایل متعدد در صدد تحریف مذهب شیعه برآمده همواره با شبهه پراکنی و طرح حدسیات و مهملات سعی در ابطال عقیده تشیع نمودند. بنابراین موضوع مذکور، از دیر باز مورد بحث و بررسی قرآن‌پژوهان اسلامی بوده است و در تفاسیر مختلف به این آیه شریفه در ضمن تفسیر آیه سوم سوره مبارکه مائده پرداخته شده است. و پیرامون آن احتمالات و حدسیات گوناگونی در منابع اهل سنت یافت می‌شود. و همچنین در ضمن

بررسی حدیث غدیر و تفسیر آیات ولایت نیز به این آیه شریفه پرداخته شده است که به برخی از آنها در این پژوهش استناد شده است اما تحقیق مستقل و کاملی که همه ابعاد و زوایای این آیه شریفه را مورد بررسی قرار دهد، صورت نگرفته است؛ در حالی که برای بدست آوردن مصداق واقعی «الیوم» و همچنین رفع شبهات معترضان، ضرورت دارد تحقیقی مستقل و مقارنه‌ای صورت گیرد. بنابراین نوشتار حاضر می‌کوشد به صورت توصیفی و تحلیلی به همه ابعاد آیه شریفه پرداخته به طور منصفانه همه احتمالات ارائه شده پیرامون مصداق «الیوم» را مورد نقد و بررسی قرار داده مصداق واقعی آن را بیان نماید.

۲. مفهوم‌شناسی اکملت و اتممت

برخی از لغت‌شناسان کلمه الکمال و التمام را مترادف دانسته‌اند چنانچه ابن منظور در لسان العرب می‌نویسد: الکَمَال: التَّام (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۹۸/۱۱) و اما برخی دیگر به نکته افتراق این دو کلمه نیز اشاره نموده‌اند. راغب در معنای کمال می‌نویسد: حصول ما فيه الغرض منه. به دست آوردن یا حاصل شدن آنچه را که غرض و مقصود از چیزی است، پس هرگاه «کمل» گفته شود، معنایش حصول آنچه غرض از آن بوده، خواهد بود؛ اما در معنای اتممت که از ماده (ت.م.م) است می‌نویسد: رسیدن چیزی به حدی که نیاز به چیزی دیگر از خارج خود ندارد برخلاف ناقص که به چیزی خارج از خود نیاز دارد (فیروزآبادی، ۱۴۰۶: ۱۶۸/۴) برخی دیگر مانند لغت‌شناس معروف، مصطفوی با اشاره به فرق بین این دو کلمه می‌نویسد که تمام غالباً در کمیات استعمال می‌شود، برخلاف کمال که در بیان کیفیات به کار برده می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۱۲/۱۰).

الف) سیاق آیه اکمال

فراز «اکمال» گرچه در ضمن آیه سوم سوره مائده ذکر گشته اما هیچ ارتباطی با بخش‌های قبل و بعد خود ندارد، همان طوری که آیه اکمال در رساندن معنای خود متکی به بخش‌های قبل و بعد خود نیست، بخش‌های اول و آخر آیه نیز در فهماندن معنا به این جمله نیازی

ندارد، بدون فراز «اکمال»، آیه به طور واضح معنای خود را می‌رساند و هیچ ابهامی باقی نمی‌ماند؛ پس معلوم می‌شود که این بخش از آیه به طور مستقل نازل گشته و بیانگر معنا و مقصودی غیر از معنای سایر قسمت‌های آیه می‌باشد. بنابراین، با قطع نظر از آیه سوم سوره مائده تحلیل شود، در غیر این صورت نتیجه واقعی حاصل نخواهد شد؛ زیرا این فراز، جمله معترضه در این آیه است؛ چنانچه علامه طباطبایی و برخی دیگر از مفسرین به آن اشاره کرده‌اند. علامه طباطبایی می‌نویسد: آیه (الْيَوْمَ يَنْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا...) کلامی است معترضه، که در وسط این آیه قرار گرفته، و لفظ آیه در فهماندن معنایش هیچ حاجتی به این جمله نداشت، حال چه بگوئیم آیه معترضه از همان اول نزول در وسط دو آیه جای گرفته، و یا بگوئیم: رسول خدا ﷺ به نویسندگان وحی دستور فرموده که در آنجا جایش دهند، با اینکه نزول هر سه پشت سر هم نبوده و یا بگوئیم هنگام نزول با آن دو آیه نازل نشده، و رسول خدا ﷺ هم دستور نداده که در آنجا قرارش دهند، ولی نویسندگان وحی در آنجا قرارش داده‌اند، چون هیچ‌یک از این چند احتمال اثری در آنچه ما گفتیم ندارد، به هر حال این جمله، جمله‌ای است معترضه که نه با صدر آیه ارتباطی دارد، و نه با ذیلش. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ۲۶۶) سید علی اکبر قریشی می‌نویسد: اگر آن قسمت از آیه را که «الیوم» در آن دو بار تکرار شده است، برداریم به انسجام آیه صدمه‌ای نخواهد رسید و آیه چنین می‌شود: «... وَ أَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذِكْرُكُمْ فَسُقْ، فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ...»؛ چنان که آیه «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَ الدَّمَ وَ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَ مَا أَهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (نحل: ۱۱۵) و آیه ۱۷۳ بقره و ۱۴۵ از سوره انعام چنین‌اند. پس معلوم می‌شود که این قسمت از آیه جمله معترضه است و معنای مستقلی دارد (قریشی، ۱۳۷۷: ۱۸/۳). ابن عاشور نیز به این مطلب تصریح کرده می‌نویسد: آیه «الیوم...» جمله معترضه است که میان آیات متضمن محرمات و رخصه قرار گرفته و هیچ ربطی به ماقبل و بعد خود ندارد (ابن عاشور، بی‌تا: ۲۸/۵). مفسرین دیگر نیز عملاً آیه اکمال را به عنوان جمله منقطع از آیه پذیرفته فراز بعد از «الیوم...» را با فراز قبل آن تفسیر نموده‌اند.

ناگفته نماند مفسران به چگونگی قرار گرفتن فراز «اکمال» بین آیه سوم مانده، تصریح

نکرده‌اند، لکن بعید نیست جهت جلوگیری از تحریف، بر اساس دستور رسول خدا ﷺ این کار صورت گرفته باشد. در هر صورت این بینونیت ضرری نمی‌رساند و آیه در فهماندن معنا و مقصود خود مستقل از ما قبل و بعد می‌باشد.

ب) مشترکات مفسرین فریقین در باره آیه اکمال

اشاره به نقاط مشترک مفسرین در تفسیر آیه اکمال از آن جهت که در تفسیر آیه موثرند، ضروریست. در ادامه به برخی از مهم‌ترین اشتراکات اشاره می‌شود:

ج) اختلافات مفسران فریقین در آیه اکمال

حق این بود که نباید هیچ اختلافی راجع به این آیه وجود داشته باشد؛ زیرا این آیه چنانچه که گذشت در آخر عمر مبارک رسول خدا ﷺ نازل شده است و یقیناً تعداد زیادی از صحابه شاهد شأن نزول و ابعاد دیگر آیه بوده‌اند؛ ولی واقعیت چنین نیست؛ همان‌طوری که در بعضی موارد متحد القول هستند؛ اما راجع به پاره‌ای از آیه اختلاف شدیدی بین مفسران وجود دارد.

با بررسی تفاسیر و دیدگاه‌های مفسران و محدثان پیرامون آیه اکمال به این نتیجه نائل گشتیم که اختلاف اصلی در تعیین روزی است که در این آیه از آن با تعبیر (الیوم) یاد شده است.

مفسران امامیه و برخی از مفسران عامه، مراد از (الیوم) را روز هیجده ذالحجه می‌دانند اما در مقابل برخی دیگر از مفسران عامه در ارتباط با محل نزاع در آیه دچار تشتت آرا شده‌اند که در ادامه به نقد و بررسی آرای آنان خواهیم پرداخت زیرا با پی بردن به مراد و مقصود (الیوم) به علت نزول آیه اکمال نیز پی خواهیم برد. به عبارت دیگر به دست آوردن علت نزول آیه اکمال بستگی به پی بردن به مقصود (الیوم) دارد.

د) احتمالات، پیرامون (الیوم) در آیه اکمال

احتمالات متعددی در لابلای تفاسیر و کتب حدیثی به چشم می‌خورد. جهت تعیین معنای واقعی (الیوم) لازم است همه احتمالات بررسی شود.

لازم به ذکر است که بررسی احتمالات بر اساس نقاط مورد اتفاق مفسرین فریقین و خصوصیات مذکور در آیه، صورت خواهد گرفت و نیز جهت پرهیز از اطاله بحث بعد از بیان همه احتمالات به نقد و بررسی آنها پرداخته می‌شود.

تولد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله.

روز مبعث.

یوم الإنذار یا روز اعلام عمومی دعوت در سال سوم هجری.

ورود به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی.

جنگ اُحُد که در مرحله نخست آن مشرکان شکست خوردند و در مرحله سوم که به (حمراء الاسد) معروف است، خائفانه و زبونانه فرار کردند.

صلح حدیبیه که زمینه فتح مکه و نزول سوره (فتح) را فراهم کرد و به گفته زهری هیچ فتحی در اسلام پیش از آن بدین بزرگی نبوده است (ابن هشام، ۱۴۱۹: ۳/ ۳۳۴).

شکست قبایل یهودی مدینه، یعنی بنی قینقاع و بنی نضیر و بنی قریظه که دشمنان داخلی مسلمانان بودند و با شکست آن‌ها غنائیم فراوانی نیز به دست مسلمانان افتاد. فتح خیبر که دژهای مستحکم و آهنین یهودیان و پایگاه‌هایشان را در آن منطقه در هم ریخت.

عمره القضا که در سال هفتم انجام شد و مسلمانان توانستند در مقابل دیدگان حیرت‌زده مشرکان وارد مکه شوند و مراسم عبادی عمره را بر اساس آیین اسلام به جا آورند.

نزول آیات اول سوره براءت و اعلام آن در سال نهم هجرت، که تمام محیط جزیره العرب را برای مشرکان ناامن کرد و آن‌ها را در تنگنا قرار داد که نه تنها نمی‌توانستند به سنت‌های جاهلی خود عمل کنند، بلکه اجازه نداشتند به مسجد حرام درآیند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا» (توبه: ۲۸).

نهم ذی‌حجه سال دهم هجرت (روز عرفه) که اسلام به اوج شکوفایی خود رسیده و بسیاری از مسلمانان همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله مراسم عبادی حج را به جا آوردند و روایات فراوانی در کتاب‌های اهل سنت از عمر و دیگران در این باره نقل شده است. محور اصلی تفاسیر

عامه در آیه مورد بحث همین احتمال است و آنان مدعی نزول این آیه در سرزمین عرفات‌اند. روز نزول احکامی که در این آیه آمده است چنانچه برخی از مفسران اهل سنت گفته است روز غدیر (روز اعلان خلافت و ولایت امام علی علیه السلام توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم)

نقد و بررسی احتمالات پیرامون الیوم

احتمالات نقل شده را می‌توان به دو صورت، (کلی و موردی) مورد نقد و بررسی قرار داد.

الف) نقد و بررسی کلی

بی تردید روزهای یاد شده، حساس و سرنوشت سازند و هر یک نقطه عطفی در تاریخ اسلام به شمار می‌آیند؛ ولی هیچ یک از آن‌ها ویژگی‌های گذشته چون یأس کافران، اکمال دین و اتمام نعمت را در پی ندارند.

افزون بر آن برخی از احتمالات با محل نزول سوره سازگاری ندارد، مانند تولد پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم زیرا در مکه اتفاق افتاده درحالی‌که سوره مائده مکی نیست چنانچه که گذشت.

آیات بسیاری پس از این حوادث نازل شدند و عده‌ای از کافران پس از فتح مکه نیز به سنت‌های جاهلی خود پایبند بودند، چنان‌که امیر مؤمنان علیه السلام درباره آن‌ها فرمود: ما أسلموا و لكن استسلموا و أسروا الکفر. فلما وجدوا أعواناً علیه أظهروه (نهج البلاغه، نامه ۱۶).

پس هیچ یک از روزهای پیش گفته مراد نیست و هیچ یک از احتمالات هفده‌گانه مزبور پذیرفته نیست، زیرا هیچ یک از آن‌ها ویژگی‌های مذبور را ندارد، از این‌رو بسیاری از این احتمالات را کسی یاد نکرده است.

روز نزول احکامی که در آیه آمده‌اند نیز مراد نیست، برای اینکه دو بخش کلامی و فقهی آیه با یکدیگر پیوندی ندارند و شاید نزول جداگانه‌ای داشته باشند، چنان‌که روایات شأن نزول نیز به این نکته اشاره دارد، چون به بخش کلامی آن پرداخته و نسبت به صدر و ذیل آن که بخش فقهی است ساکت است. افزون بر این، نزول چند حکم فقهی که محتوای آن پیش‌تر در سوره‌های (بقره؛ انعام) و (نحل) آمده بود، از چنان اهمیتی برخوردار نبود تا مایه

تکمیل دین و یأس کافران شود، وگرنه در موارد دیگر نیز باید آیه‌ای نظیر این آیه (گویای اکمال دین و یأس کافران) نازل می‌شد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۱/۵۷۹).

ب) نقد و بررسی به صورت موردی

در این بخش برخی از احتمالات خیلی مهم را به صورت موردی مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم زیرا احتمالات زیر نسبت به احتمالات دیگر طرفداران بیشتری را به سوی خود جلب نموده است.

۱. روز نزول آیات برائت و اعلام آن

برخی از مفسرین اهل سنت مانند طبری و سیوطی، روایتی از ابن عباس نقل نموده‌اند که بیانگر این دیدگاه است. ابن عباس می‌گوید: هنگامی که سوره برائت نازل گردید و مشرکان از بیت الحرام رانده شدند، مسلمانان بدون شرکت مشرکان حج انجام دادند. این مورد از مصادیق اتمام نعمت است که خداوند در این آیه فرموده است: امروز برای شما دینتان را کامل کردم و نعمتم را به اتمام رساندم (طبری، ۱۴۱۲: ۸۱/۴).

نقد و بررسی احتمال اول (روز نزول آیات برائت)

اولاً: قول ابن عباس مخالف با قول دیگر او است که علت نزول را ولایت امام علی علیه السلام می‌داند.

ثانیاً: این احتمال نیز وجود دارد که حدیث ابن عباس مدرج باشد، یعنی این آیه را به عنوان شاهد در حدیث درج کرده‌اند، بی‌آنکه به ناسازگاری آن با رویداد نزول برائت و حذف مشرکان از بیت الحرام توجه داشته باشند (نजारزادگان، ۱۳۹۵: ۱۷۸).

ثالثاً: مشرکان چند سال قبل از حجه الوداع با ابلاغ سوره برائت، از حضور در مراسم حج همراه با مومنان منع شدند (همان).

رابعاً: اعلام برائت عرصه را بر مشرکان مکه بلکه حجاز تنگ کرد؛ لیکن با اطلاق آیه

(ناامید شدن همه کافران) نمی‌سازد، زیرا کافران خارج جزیره العرب هنوز از ابطال و محو دین اسلام ناامید نشده بودند مشرکان مکه و یهودی‌ها و نصرانی‌ها و امپراتور قدرتمند ایران و روم ناامید نشده بودند، جریان اعلام برائت یأس تمامی کفار را بدنبال نداشت.

خامساً: دین نیز در آن روز (اعلام برائت) به کمال خودش نرسیده بود، چرا که بنابر برخی روایات و گفته مفسران سوره برائت در سال نهم نازل شده و حجه الوداع در سال دهم هجری اتفاق افتاده است. در تفسیر جامع البیان طبری بنابر حدیث نقل شده در تفسیر عیاشی به این امر تصریح شده است (طبری، ۱۴۱۲: ۴۶-۴۷؛ ابن هشام، بی‌تا: ۵۱۶/۲). و واقدی (واقعی، ۱۴۰۹: ۳/۱۰۷۸) نیز به این مطلب تصریح نموده‌اند. و نیز بسیاری از احکام و آیات، از جمله همین سوره مبارکه (مانده) که حاوی احکام فراوانی است، در این مدت نازل شد.

۲. احتمال دوم: روز عرفه

اکثر مفسران اهل سنت معتقدند که مراد از (الیوم) روز عرفه، نهم ذی حجه سال حجة الوداع است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۱/۲۸۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲/۲۵۷).

نقد و بررسی احتمال دوم (روز عرفه)

در روز عرفه هیچ کدام از خصوصیات را که پیش از این در باره (الیوم) بیان کردیم که مورد اتفاق مفسرین نیز هست، از جمله یاس کافران، اکمال دین و اتمام نعمت، و رضایت پروردگار وجود ندارد.

شاید گفته شود که انجام دادن مناسک حج با حضور پیغمبر اکرم ﷺ که تعلیم علمی و عملی آن را همراه داشت، حادثه بزرگی بود که در روز عرفه سال دهم هجری رخ داد و سبب تکمیل دین و یأس کافران گردید. این احتمال تأیید می‌کند که این بخش از آیه جدای از صدر و ذیل نازل شده باشد؛ لیکن مانند برخی دیگر از احتمالات نادرست است، زیرا:

چنین حجّی مایه کمال حج است نه کمال دین و تمام آن، زیرا حج هرچند هم با شکوه برگزار شود، نمی‌تواند مایه ناامیدی کافران شود. آری، حج همراه معرفت امام واجب‌الاطاعه

می‌تواند چنین اثری داشته باشد، از همین رو امام باقر علیه السلام فرمود: *إِنَّمَا أَمْرُ النَّاسِ أَنْ يَأْتُوا هَذِهِ الْأَحْجَارَ فَيَطُوفُوا بِهَا؛ ثُمَّ يَأْتُونَا فَيُخْبِرُونَا بِوَلَايَتِهِمْ وَيَعْرَضُوا عَلَيْنَا نَصْرَهُمْ* (جوادی، ۱۳۸۹: ۲۱/۵۸۱). مناسک و اماکن و مواقف حج، بی‌حضور امام معصوم علیه السلام که رهبری امت اسلامی را بر عهده بگیرد، چگونه می‌تواند مایه یأس کافران شود! ثانیاً: مورخان عامه وفات آن حضرت را روز دوازدهم ربیع الاول می‌دانند (امینی، الغدير، ۱۴۲۰: ۱/۲۳۰). برخی از مفسرین عامه نقل کرده‌اند که پس از نزول این آیه، حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله هشتاد و یک روز بیش‌تر عمر نکردند (سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۶؛ فخررازی، ۱۴۲۰: ۱۲/۱۳۹). از جمع بین این دو نقل و جمع و تفریق اعداد، ظاهر می‌شود که روز نزول آیه هجدهم ماه ذی الحجه (روز غدیر) بوده است، نه روز عرفة.

بنابر نقدهای وارده هیچ‌یک از حوادث یاد شده نمی‌تواند مصداق (اليوم) باشد علاوه بر اشکالات وارده، در هیچ‌کدام از اتفاقات مذکوره، خصوصیت کلیدی آیه که عبارت است از ناامیدی کفار از دین اسلام، اتفاق نیافتاده است.

۳. احتمال سوم: روز غدیر خم (مصداق واقعی و حقیقی اليوم)

بررسی‌ها نشان می‌دهد که از بین احتمالات بیان شده پیرامون مصداق «اليوم» - سه احتمال مذکور (روز نزول آیات برائت، روز عرفة و روز غدیر) - روز غدیر مورد تأیید اکثر دانشمندان و قرآن‌پژوهان قرار گرفته است، چنانچه بیان گردید احتمال اول و دوم (روز نزول آیات برائت و اعلام آن و روز عرفة) علاوه بر آن که دارای نقدها و اشکالات متعددی است، از خصوصیت کلیدی آیه که ذکر گردید، نیز عاری است.

اما احتمال سوم (روز غدیرخم) نه فقط دارای اشکال و نقد نمی‌باشد، بلکه خصوصیت کامل آیه را نیز دارا می‌باشد. بنابراین تنها مصداق واقعی و حقیقی «اليوم» جز روز غدیرخم نمی‌تواند باشد. همچنین براین مطلب برخی از دانشمندان و قرآن‌پژوهان اهل سنت نیز اعتراف کرده‌اند که در مباحث قبلی بیان گردید و از طرفی تمام دانشمندان شیعه امامیه قائل به دیدگاه سوم هستند بنابراین احتمال سوم مورد تأیید اکثر قریب به اتفاق دانشمندان و

قرآن‌پژوهان اسلامی می‌باشد. در ادامه به منظور اثبات این مطلب به تحلیل فراز «اکمال» پرداخته می‌شود.

ج) تحلیل آیه اکمال برای اثبات مراد واقعی «الیوم»

دانشمندان امامیه، براساس آیات و روایات مراد از «الیوم» در آیه اکمال را روز اکمال دین می‌دانند و نه فقط هیچ اختلافی در این زمینه ندارند بلکه همگی با دلایل و استدلال‌های متقن و متنوع سعی در اثبات این عقیده نموده‌اند، در این میان سعی و تلاش همه دانشمندان بالخصوص سعی و کوشش علامه امینی چشمگیر است. همچنین تحلیل علامه طباطبایی در آیه نیز در رفع توهم، خیالات و اثبات عقیده تشیع نقش بسزائی دارد، در ادامه برای اثبات مراد واقعی «الیوم» در دو حوزه تحلیل درون متنی و بیرون متنی آیه پرداخته می‌شود.

۱. تحلیل درون متنی آیه اکمال

تحلیل علامه طباطبایی درباره آیه اکمال

علامه بعد از بحث مفصل پیرامون آیه می‌گوید: کفار بعد از نومیدی و نرسیدنشان به اهداف شومی که داشتند آخرین امیدی که به زوال دین و موت دعوت حقه آن بستند این بود که به زودی داعی به این دعوت و قائم به امر آن یعنی رسول خدا ﷺ از دنیا می‌رود، و فرزند ذکوری هم که اهدافش را تعقیب کند ندارد، و منشا این امیدواریشان این بود که آنها می‌پنداشتند دعوت دینی هم یک قسم سلطنت و پادشاهی است، که در لباس نبوت و دعوت و رسالت عرضه شده است، پس اگر او بمیرد یا کشته شود اثرش منقطع، و یادش و نامش از دلها می‌رود، همان‌طور که وضع همه سلاطین و جباران چنین بوده است، و یک پادشاه یا امپراطور هر قدر هم که در نیرومندی و دیکتاتوری و سوار شدن بر گردن مردم به نهایت درجه می‌رسید به محضی که می‌مرد یادش هم از دلها می‌رفت، و قوانین و سنت‌هایش با خود او دفن می‌شد، جمله: «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» (کوثر: ۳) به طوری که از روایات شان نزول بر می‌آید به این حقیقت اشاره دارد. پس همان‌طور که گفتیم این آرزو و آرزوهایی مثل آن بوده

که امید شوم مذکور را در دل‌های کفار راه می‌داده، و به اطفاء نور دین به طمعشان می‌انداخته، و در نظر اوهام و خیالهای خامشان زینت می‌داده، که این دعوت طاهره چیزی به جز یک پدیدار نیست، که به زودی گردش روزگار دروغ بودنش را روشن نموده، طومارش را بر می‌چیند، و اثرش را از صفحه روزگار محو می‌سازد، لیکن خوشبختانه ظهور تدریجی اسلام و غلبه آن بر هر دین و اهل دینی که به ستیز با آن پرداخت. و انتشار آوازه‌اش و اعتلاء کلمه‌اش به شوکت و قوت، همه آن آرزوها را بباد داد، و در نتیجه کفار را از اینکه بتوانند عزیمت رسول خدا ﷺ را تباه بسازند، در پاره‌ای از اهداف حرکتش را متوقف کنند، و به مال و یا جاه تطمیعش کنند به کلی مایوس شدند. آری قوت و شوکت اسلام کفار را از همه این راهها مایوس ساخت، به جز یک راه و آن این بود که آن جناب فرزند ذکوری که جای او را بگیرد و دعوتش را ادامه دهد ندارد در نتیجه با مرگ او دین او نیز خواهد مرد، چون این معنا بدیهی است که کمال دین از جهت احکام و معارفش - به هر درجه‌ای که باشد - خودش به خودی خود نمی‌تواند خود را حفظ کند. و هیچ سنتی از سنن و ادیانی که آمده و مردم از آن پیروی کرده‌اند به حال نصارت و صفای اولش باقی نمانده، نه بخودی خود و نه به انتشار آوازه‌اش، و نه به کثرت معتقدین به آن، هم چنان که هیچ سنتی و دینی از راه قهر و جبر و تهدید و با فتنه و عذاب و یا عاملی غیر اینها، به کلی از بین نرفته، بلکه هر دینی که از بین رفته به خاطر از بین رفتن حاملین آن دین و علمای آن کیش و کارگردانان آن بوده است.

علامه طباطبایی در ادامه بحث، اعلان ولایت امام علی (ع) روز غدیر را علت اصلی یاس کفار، دانسته می‌نویسد: تمامیت یاس کفار حتما باید به خاطر عامل و علتی بوده باشد که عقل و اعتبار صحیح آن را تنها عامل ناامیدی کفار بداند، و آن این است که خدای سبحان برای این دین کسی را نصب کند، که قائم مقام رسول خدا ﷺ باشد، و در حفظ دین و تدبیر امر آن و ارشاد امت متدین کار خود آن جناب را انجام دهد، به نحوی که خلای برای آرزوی شوم کفار باقی نماند، و کفار برای همیشه از ضربه زدن به اسلام مایوس شوند. آری ما دام که امر دین قائم به شخص معینی باشد، دشمنان آن می‌توانند این آرزو را در سرپرورانند، که با از بین رفتن آن

شخص دین هم از بین برود، ولی وقتی قیام به حاملی شخصی، مبدل به قیام به حاملی نوعی شد، آن دین به حد کمال می‌رسد، و از حالت حدوث به حالت بقاء متحول گشته، نعمت این دین تمام می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵/۲۸۴).

بررسی و تحقیق نشان می‌دهد که انتظار و تحلیل آن دشمنان قسم خورده، انتظاری طبیعی و تحلیلی مطابق با سنت‌های اجتماعی بود و با تعیین جانشین معصوم برای پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله رهبری دینی به دست فرد حقیقی و سپس به افرادی معین که واجد حقیقت عصمت‌اند، سپرده شد؛ لذا همه ترفندهای دشمنان نقش بر آب شده و توطئه‌ها و برنامه‌های شان به هم ریخت و آخرین امیدشان به یأس تبدیل گشت. نعمت ولایت الهی با جعل ولایت برای جانشینان آن حضرت اتمام یافت و دین با اعلان ولایت تکمیل گشت. در چنین شرایطی ترسیدن مسلمانان از دسیسه‌های دشمنان برای نابودی اسلام معقول نبود. اسلام با داشتن چنین متولّیانی می‌توانست همیشه دین برگزیده الهی برای جامعه بشری باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۱/۵۸۷)

بر این پایه، همه ویژگی‌های شش‌گانه‌ای که در آیه گفته شد و مانند آن، در تعیین جانشین برای آن حضرت صلی الله علیه و آله هست و برای (الیوم) مصداقی در تاریخ اسلام جز روز هیجده ذی‌حجه سال دهم هجری نیست، که در آن پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به دستور خدای سبحان حضرت علی علیه السلام را به جانشینی خود نصب کرد، و این نظریه مشکلات بالا را ندارد. چنان‌که قرائن داخلی آیه همین مطلب را تأیید می‌کنند.

۲. تحلیل برون‌متنی آیه اکمال

در این بخش به اختصار به روایات فریقین پرداخته خواهد شد

روایات اهل سنت

برخلاف برخی مفسرین عامه مانند آلوسی و فخررازی که سعی می‌کنند روایاتی را که شان نزول آیه اکمال را اعلان ولایت امام علی علیه السلام می‌دانند، تضعیف کنند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳/۲۳۴)، با مراجعه به مصادر حدیثی و تفسیری عامه به وجود روایاتی صحیح‌السند در رابطه با نزول

آیه جهت اعلان ولایت امام علی علیه السلام پی می‌بریم. در ادامه روایت ابونعیم اصفهانی را به طور نمونه نقل می‌کنیم.

روایت حافظ ابونعیم اصفهانی: ابونعیم از محمد بن احمد بن علی مخلد، از محمد بن عثمان بن ابی شیبه، از یحیی حمانی، از قیس بن ربیع از ابی هارون عبدی، از ابی سعید خدری نقل می‌کند که:

ان النبی صلی الله علیه و آله دعا الناس الی علی فی غدیر خم امر بما تحت الشجرة من الشوک فقم و ذلک یوم الخمیس فدعا علیا فاخذ بضبعیه فرفعها حتی نظر الناس الی بیاض ابطنی رسول الله صلی الله علیه و آله ثم لم یتفرقا حتی نزلت هذه الایة: الیوم اکملت لکم دینکم... الایة، فقال رسول الله: الله اکبر علی اکمال الدین و اتمام النعمة و رضی الرب برسالتی و بالولاية لعلی علیه السلام من بعدی... (علامه امینی، ۱۴۲۰: ۱/ ۲۳۲).

بررسی سند حدیث فوق

محمد بن احمد بن علی مخلد معروف به ابن محرم، از بزرگان شاگردان ابن جریر طبری و ملازمین او است که دار قطنی و ابوبکر برقانی او را معتبر دانسته‌اند و ذهبی از او به امام تعبیر کرده است، (ذهبی، بی‌تا: ۱۶/ ۶۱) تضعیف او توسط برخی می‌تواند به جهت نقل احادیث مناقب اهل بیت علیهم السلام باشد. محمد بن عثمان ابن ابی شیبه: ذهبی او را به امام حافظ تعبیر کرده و صالح جزره او را توثیق نموده است و ابن عدی می‌گوید: من از او حدیث منکر ندیده‌ام تا آن را نقل کنم (ذهبی، بی‌تا: ۱۴/ ۲۱).

یحیی حمانی، او از رجال مسلم در صحیح است و نیز عده‌ای او را صدوق و ثقة معرفی نموده است. (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴: ۱۱/ ۲۱۳-۲۱۸) قیس بن ربیع، او از رجال ابی داود و ترمذی و ابن ماجه به حساب می‌آید و ابن حجر او را صدوق دانسته است (ابن حجر عسقلانی، بی‌تا: ۸۰۴/ ۲). ابوهارون عبدی، همان عماره بن جوین است، او از مشاهیر تابعین، واز شیوخ ثوری حمادین و دیگران از بزرگان اهل سنت بوده است، از طرفی حدیث او در کتب بخاری وارد شده است (ابن حجر، بی‌تا، مقدمه).

روایت شیعه مبنی بر نزول آیه اکمال در روز غدیر

چنانچه که بیان شد، احادیث شیعه با صراحت می‌گویند علت نزول این آیه اعلان ولایت امام علی علیه السلام و زمان آن روز هیجده ذی الحجه است؛ از جمله احادیث شیعی، در این زمینه حدیث صحیح السندی است که کلینی از طریق علی بن ابراهیم از پدر از ابن ابی عمیر از عمر بن اذینه از چند نفر حدیث نقل کرده و آن چند نفر از امام باقر علیه السلام است که در آن آمده است:

... فَلَمْ يَذُرُوا مَا هِيَ فَأَمَرَ اللَّهُ مُحَمَّدًا ص أَنْ يَفْسِّرَ لَهُمُ الْوَلَايَةَ كَمَا فَسَّرَ لَهُمُ الصَّلَاةَ وَالزَّكَاةَ وَالصَّوْمَ وَالْحَجَّ فَلَمَّا أَتَاهُ ذَلِكَ مِنَ اللَّهِ صَاقَ بِذَلِكَ صَدْرَهُ رَسُولِ اللَّهِ ص وَتَخَوَّفَ أَنْ يَرْتَدُّوا عَنْ دِينِهِمْ وَأَنْ يَكْذِبُوهُ فَصَاقَ صَدْرَهُ وَرَاجَعَ رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ - يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ فَصَدَعَ بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرَهُ فَقَامَ بَوَلَايَةِ عَلِيٍّ عليه السلام يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ فَتَادَى الصَّلَاةَ جَامِعَةً وَأَمَرَ النَّاسَ أَنْ يَبْلُغَ الشَّاهِدَ الْغَائِبَ قَالَ عُمَرُ بْنُ أُذَيْنَةَ قَالُوا جَمِيعًا غَيْرَ أَبِي الْجَارُودِ وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام وَكَانَتِ الْفَرِيضَةُ تَنْزُلُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ الْأُخْرَى وَكَانَتِ الْوَلَايَةُ آخِرَ الْفَرَائِضِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَا أُنْزِلُ عَلَيْكُمْ بَعْدَ هَذِهِ فَرِيضَةً قَدْ أَكْمَلْتُ لَكُمْ الْفَرَائِضَ (كلینی، ۱۴۰۵: ۱/۲۸۹).

و چون امر بولایت از جانب خدا پیغمبر رسید حضرتش دلتنگ شد و ترسید مردم از دین برگردند و او را تکذیب کنند، از این جهت دلتنگ شد و پروردگارش مراجعه کرد، خدای عز و جل باو وحی فرستاد: ای پیغمبر آنچه از پروردگارت به تو نازل شده برسان، و اگر نکنی پیام او را نرسانیده‌ای، خدا ترا از گزند مردم حفظ می‌کند (سوره مائده/ ۶۷) او هم امر خدای تعالی را اعلان کرد و بامر ولایت علی علیه السلام در روز غدیر خم قیام نمود و مردم را برای نماز جماعت بانگ زد و فرمان داد که حاضرین به غائبین برسانند.

عمر بن اذینه (که از آن شش نفر روایت می‌کند) می‌گوید: همگی جز ابی الجارود گفتند: امام

باققر علیه السلام فرمود: واجبات خدا یکی پس از دیگری نازل می‌شد و امر ولایت آخرین آنها بود، که خدای عز و جل این آیه را نازل فرمود: امروز دین شما را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم (سوره مائده) امام باقر علیه السلام فرمود: خدای عز و جل می‌فرماید: بعد از این واجبی بر شما نازل نکنم، واجبات را برای شما کامل کردم.

نتیجه

در نتیجه تحلیل بیرونی بدست می‌آید تعداد روایاتی که علت نزول آیه اکمال را اعلان ولایت امام علی علیه السلام در روز غدیر نشان می‌دهد، در منابع شیعه و اهل سنت کم نیست. ذکر همه آنها خارج از ظرفیت این تحقیق می‌باشد. وقتی به روایات مراجعه می‌کنیم هیچ شک و شائبه‌ای در ارتباط با صحیح بودن عقیده تشیع باقی نمی‌ماند زیرا روایت شیعه به طور اتفاق ادعا دارد بر این که این آیه روز غدیر برای اعلان ولایت امام علی علیه السلام نازل گردیده، در مقابل تعداد زیادی از روایات عامه نیز به درستی عقیده شیعه در این زمینه، اعتراف می‌کنند، درحالی که هیچ دانشمندی از دانشمندان تشیع لب به درستی عقیده اهل سنت نگشوده است. این اعتراف برخی بزرگان اهل سنت مانند حسکانی (حسکانی، ۱۴۱۱: ۱/ ۲۰۰) و عدم اختلاف بین تشیع در مورد شان نزول و علت نزول آیه اکمال، دلیل بر درست بودن دیدگاه تشیع و باطل و از حدسیات بودن دیدگاه اهل سنت می‌باشد.

در نتیجه تحلیل درونی در حوادث محتمل درباره «الیوم» به دست می‌آید که به جز علت نزول آیه درباره ولایت امام علی علیه السلام و نزول آن در روز هیجده ذی الحجه تمام احتمالات و ادعاها، بی‌دلیل، مخدوش و تحکم است، در این رابطه روایات متواتر وجود دارد، دانشمندان امامیه در این مورد متفق القول هستند و برخی از مفسرین اهل سنت مراد از (الیوم) را روز غدیر دانسته‌اند بنابر این می‌توان به درستی دیدگاه شیعه ادعای اجماع کرد. همچنین می‌توانیم بگوییم که عقیده شیعه نقلاً و عقلاً ثابت و صحیح می‌باشد.

بررسی نشان می‌دهد فرضیه‌های طرح شده هیچ‌یک از آن‌ها با مفهوم آیه سازگاری ندارند، یاس همه کفار و دشمنان دین در هیچ یک از فرضیه‌ها و احتمالات جز در

روز هیجده ذالحجه (روز اعلان ولایت و امامت امام علی علیه السلام) تحقق پیدا نکرده است. اکمال دین نیز با اعلان حرام و حلال سازگاری ندارد زیرا این چیز بی‌سابقه‌ای نیست و در سوره‌های دیگر نیز بیان شده است. چطور آنجا اعلام اکمال نشده است؟ بعلاوه شکر رسول خدا (در روز غدیر) در قبال اکمال دین، که در خطبه نقل شده، دلیل دیگری بر بطلان دیگر حدسیات و تصورات است.

اکثر روایات مذکور در کتب اهل سنت بابت نزول آیه اکمال در روز غدیر خم، صحیح‌السنداند، علامه امینی تک تک روایات را بر اساس معیارات و موازین اهل سنت در کتب رجالی آنان بررسی کرده و توثیق آنان از منابع خود آنان به اثبات رسانده است. و ادعای برخی مانند آلوسی، که در ذیل این آیه می‌گوید: این روایت موضوع و کذب است (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۳۴/۳)، نشان دهنده بی‌اطلاعی وی از منابع اهل سنت و در نتیجه چشم‌پوشی از حقایق است. مناقشه فخررازی نیز همچنین است. ما جهت اختصار از ذکر مناقشه فخر رازی صرف نظر کردیم (فخررازی، ۱۴۲۰: ۲۸۸/۱۱)، مناقشه وی نیز در نتیجه چشم‌پوشی از مدارک و عدم درک صحیح دیدگاه شیعه است که جواب این مناقشه به نحو احسن داده شده است جهت مطالعه به (نजारزادگان، ۱۳۹۵: ۱۸۵-۱۸۶) مراجعه شود.

پس از اثبات عقیده شیعه مبنی بر نزول آیه اکمال درباره ولایت امام علی علیه السلام، می‌توان نتیجه گرفت که اسلامی که مورد رضای خداست، مرتبط با ولایت امام علی علیه السلام است، چنانچه از فراز (ورضیت لکم الاسلام دینا)، به دست می‌آید.

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه، مترجم دشتی، قم ناشر، مشهور، ۱۳۷۹.

آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
ابن حجر العسقلانی أحمد بن علی، تقریب التهذیب، محقق، أبو الأشبال صغیر أحمد شاغف،
الباکستانی، دار العاصمة. (نرم افزار مکتبه الشامله)، بی تا.

ابن عباس، (صدرا سلام)، تنویر المقیاس من تفسیر ابن عباس، تهران، انتشارات استقلال، بی تا.
ابن فارس، مقایس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
ابن هشام، السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی،
بیروت، دار المعرفه، بی تا.

ابن هشام، عبدالمک بن ایوب، السیره النبویه لابن هشام، بیروت، دار الجیلسنه، ۱۴۱۱ق.
ابوالقاسم، راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات لالفاظ القرآن، بیروت- دمشق، دار
القلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲ق.

ابونعیم الأصبهانی، أحمد بن عبدالله الأصبهانی، حلیه الأولیاء، حلیه الأولیاء وطبقات الأصفیاء،
بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۰۵ق.

امینی، عبدالحسین، الغدیر، قم، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، ۱۴۲۰ق.
الأندلسی، محمد بن یوسف الشهیر بأبی حیان، تفسیر البحر المحیط، تحقیق: الشیخ عادل
أحمد عبد الموجود، بیروت، ناشر، دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۱.

البانی، محمدناصرالدین، سلسله الاحادیث الصحیحه، بیروت، المکتب الاسلامی، ۱۴۰۵ق.
بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق قسم الدراسات الاسلامیه مؤسسه البعثه،
قم، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.

برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، تحقیق، محدث، جلال الدین، قم، دار الکتب
الإسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۷۱ق.

برجودی، سید محمد ابراهیم، قرن پانزدهم، تفسیر جامع، تهران انتشارات صدر، ۱۳۶۶.

- البغدادی الشهير بالخازن، علاء الدين على بن محمد بن إبراهيم، تفسير الخازن المسمى لباب التأويل في معاني التنزيل، بيروت، دار الفكر، ۱۹۷۹.
- ثعلبی نیشابوری ابواسحاق احمد بن ابراهيم، الكشف و البيان عن تفسير القرآن، بيروت، دار إحياء التراث العربي، ۱۴۲۲ق.
- جوادى آملی، تفسير تسنيم، قم، اسراء، ۱۳۸۷.
- ذهبی، سير اعلام النبلاء، (نرم افزار مکتبه الشامله)، بی تا.
- رشید رضا، محمد، المنار، دار الکتب العلميه، الطبعة الاولى، ۱۴۲۰ق.
- رضوانی، علی اصغر، غدیرشناسی و پاسخ به شبهات، مجمع جهانی اهل البيت، بی تا.
- زمخشری، محمود، الكشف عن حقائق غوامض التنزيل، بيروت، دار الكتاب العربي، ۱۴۰۷.
- سیوطی، جلال الدين، درالمنثور، قم، کتابخانه آية الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- شبر سيد عبدالله، تفسير القرآن الكريم (شبر)، دار البلاغة للطباعة و النشر، بی تا.
- صدوق، ابوجعفر محمد بن علی، من لایحضره الفقيه، قم، انتشارات جامعه مدرسين، ۱۴۱۳ق.
- طباطبائی، محمدحسين، ترجمه الميزان، قم، دفتر انتشارات اسلامي جامعه مدرسين حوزه علميه، ۱۳۷۴.
- طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه مجمع البيان، انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، جامع البيان، بيروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ق.
- عروسی حویزی عبدعلی بن جمعه، تفسير نور الثقلين، تحقيق: سيد هاشم رسولی محلاتی، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
- فخرالدين رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، مفاتيح الغیب، بيروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- فرات کوفی ابوالقاسم، فرات بن ابراهيم، تفسير فرات الکوفی، تحقيق: محمدکاظم محمودی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامي، ۱۴۱۰ق.
- فیض کاشانی، ملا محسن، تفسير صافی، تهران، انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ق.
- قرطبی، محمد بن احمد، جامع الاحکام القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴.
- کاشف الغطاء، محمدحسين، اصل الشيعة و اصولها، بيروت، مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، ۱۴۱۳ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحيح و تعليق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلاميه، ۱۳۶۲.

مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
نجارزادگان، فتح‌الله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، قم، نشر هاجر، ۱۳۹۵.
نووی جاوی محمد بن عمر، مراح لبید لكشف معنی القرآن المجید، بیروت، دار الكتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
واقدی، محمد بن عمر، مغازی تاریخ جنگ‌های پیامبر، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹.